

گروهی هم به پخت آش های مخصوص می پردازند که در نهایت آش مورد نظر بین جمعیت تقسیم می شود ...

جالب این که در این روز و در این اجتماع خاص گروهی هم به برپایی بازارچه های سنتی اقدام می کنند که لوازم مختلف از خوراک و پوشاک و وسایل زینتی و آشپزخانه و ... را در این بازارچه به فروش می رسانند. کودکان و دختران جوان هر یک به فراخور حال به صورت دسته جمعی به گردش در محیط پرداخته و خود را سرگرم می کنند قابل ذکر است که در این روز به صورت محدود نشان و نشانه هایی از آشنایی های جدید و خاص بین دختر و پسر یا خانواده های شان بروز می کند که در فرادهای پس از مراسم این امر به خواستگاری و برخی از آنان در نهایت به عروسی و تشکیل خانواده منجر می شود. شاید واژه ی جشن



مردگان و یا عید مردگان برای این روز بدین خاطر بیان و انتخاب شده که یادآوری همگانی نسبت به اموات و رفتن سر مزار عزیزان موجب شادی و نشاط ارواحی می شود که حاضر و ناظر موضوع و اتفاق هستند و موارد و موضوعات حادث بر محیط در این روز مثل قرائت قرآن و ذکر فاتحه دید و بازدید یاران و همسایگان. قهرهایی که در این روز تبدیل به آشتی می شود. دلهایی که بهم گره می خورند و کانون گرم خانواده در آینده را تشکیل می دهند. نشاط و شادی جوانان و کودکان در این روز و .. آرامش و آموزشی را به مردگان هدیه می دهد که ارزش اهمیت و مقام عید و جشن و شادمانی هایش را دارا می باشد. در روستاهای همجوار فی المثل شروکلا و متانکلا و ... روز ۲۶ عید ماه به اجرا مراسم می پردازند (حال و هوای موضوع و اتفاق مورد نظر چه ۲۴ و چه ۲۶ مشابه و تقریبا شبیه به هم است.



..... مخلص کلام این که؛

- پس از صرف نهار و صرف میوه و شیرینی و استراحت کوتاه در هنگامه ی غروب بساط روضه خوانی و مداحی و مرثی پهن شده و هر یک بر مزار عزیز ازدل رفته اش به قرائت قرآن و شنودسخنرانی و مرثی و مداحی مشغول می شود و با غروب خورشید کاروان به سوی محل و خانه و محل سکونت افراد راهی می گردد. که این بار نشاط آرامش روح و جان سبکبالی و خاطره از بودها و نمودهای بجا مانده و به جان نشسته را در کوله بار عشق و ارادت و بهم پیوستگی ، اتحاد و اتفاق و ... به دوش می کشند که در بسیاری از مواقع و موارد تا تجمع سال آینده ادامه و دوام دارد.....



۲۴ عید ماه یا عید مردگان

رشیدبابازاده*

... برگزاری برخی از مراسم در روستاهای مازندران (و روستاهای سایر استانها) که ریشه در سنت و آداب و رسوم دارد و در بسیاری از مواقع باور و اصول اعتقادی را هم رقم خواهد زد. یکی دیگر از نمود ارزشی و قابل ذکر است که بیان موضوعی و دانستن حقیقتش خالی از لطف نیست. شاید بسیاری از شما ماجرا و داستان (جشن مردگان) یا (عید مردگان) را شنیده و یا خوانده اید و شاید هم برخی در این مراسم و مراسم مشابه شرکت داشته اید. اما آنان که از واقعیت و اصل موضوع اطلاعی ندارند شاید دچار برخی از توهمات خواسته یا ناخواسته حادث بر موضوع شوند و برای شان سوال پیش آید که مردگان از بند رسته چه جشنی می توانند داشته باشند و چگونه این جشن را برپا میکنند؟ آیا خود فاعل به فعل خواهند بود. یا زنده های باقیمانده در جهان خاکی برای آنان جشن می گیرند؟ که تازه در بخش دوم موضوع هم شاید مسئله سوال برانگیزتر باشد. این که چگونه می شود برای مرگ عزیزان جشن گرفت و یا عیدانه بپا داشت؟

واقعیت این است که جشن مردگان یا همان عید مرگان که در روستاهای مازندران (بسته به رسم هر آبادی و باورهای) در دو زمان خاص یعنی ۲۴ و ۲۶ (عید ماه) برگزار می شود. روز به یادآوری مردگان و عزیزان از دست رفته است. بدین معنا که در این روز خاص اهالی یک روستا و گهگاه روستاهای همجوار که دارای یک گورستان جمعی هستند به طور دسته جمعی هر یک به فراخور حال و وسع و داشته های زندگی به تدارک می نشینند. غذایی طبخ می کنند و خورشتی مناسب حال و نانی و خرمایی و میوه و شیرینی هم به کوله بار یادمان خود اضافه کرده و راهی گورستان ده می شوند، به محض ورود به گورستان هر یک گوشه ای مناسب را (که اصولا سعی می شود در کنار مزار عزیزان از دست رفته ی خود باشد) انتخاب کرده و بساط پهن کرده و سفره می گسترانند ساعت های اولیه را به دید و بازدید یکدیگر تعریف و احوالپرسی و برای تسلی خاطر فاتحه بر مزار عزیزان از دست رفته ی هم می گذرانند. سپس گروهی از خانم ها در همان مکان به طبخ غذا (برای نهار) و

*پژوهشگر برجسته و پیشکسوت در فرهنگ و هنر مازندران